

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۱،
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۳-۶۹

حکم اهانت به مریم مقدس در شریعت مسیحیت*

دکتر محمدرضا جواهری^۱

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: Jvaheri@ferdowsi.um.ac.ir

دکتر سیدرضا موسوی

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mosavi-r@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

اهانت به شخصیت‌های مقدس هر یک از ادیان الهی، از جانب پیروان دین دیگر گفتگوی ادیان را به بن بست می کشاند. ولی احترام و تکریم آنان زمینه را برای برقراری ارتباط، تقریب ادیان و تفاهم در راه شناخت حق فراهم می آورد و آثار مثبت و سازنده‌ای دارد. آگاهی از احکام ادیان الهی در مسئله توهین به شخصیت‌های مقدس، از رویارویی و تقابل پیروان ادیان می‌کاهد و آنان را از توهین به مقدسات یکدیگر باز می‌دارد. این پژوهش فقهی درصدد است بر اساس مدارک و منابع معتبر شرعی مسیحیت، حکم اهانت به مریم مقدس را به دست آورد. از این رو نخست منابع اصلی پذیرفته شده از جانب مذاهب مسیحی شناسایی و معرفی شده و سپس فضایل مریم مقدس از درون کتاب و سنت مسیحی و آرای پاپ استخراج گردیده و در نهایت حکم و جزای توهین به این شخصیت بی‌نظیر مسیحیت استنباط و ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مریم، شریعت، مسیحیت، توهین، مقدسات.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۲/۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۶/۳/۲۶.
۱. نویسنده مسؤول، این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه دکتری نویسنده است.

در مقدمه این پژوهش شایسته است مفاهیم واژه‌های شخصیت، توهین و اهانت روشن شود. شخصیت مصدر جعلی شخص است و صفات ویژه هر انسان و خصوصیات فردی وی، مجموعه عوامل باطنی شخص، نفسانیات، احساسات، عواطف و خلق و خوی مخصوص یک فرد، بزرگواری، شرافت، رفعت و درجه انسان را «شخصیت» نامند (دهخدا، ۱۴۱۸۳/۹؛ معین، ۲۰۳۲/۲؛ عمید، ۷۸۹).

ریشه توهین و اهانت تفاوت دارد؛ زیرا حروف اصلی توهین «و ه ن» و حروف اصلی اهانت «ه و ن» است، ولی به دلیل نزدیکی معانی، در فرهنگ‌های فارسی برای ترجمه و تبیین معانی یکدیگر نوشته شده‌اند (دهخدا، ۳۶۵۳/۳؛ انوری، ۶۶۴/۱؛ عبدالله، ۵۳).

توهین به معنای ضعیف گردانیدن و سست کردن (فراهیدی، ۹۲/۴؛ راغب اصفهانی، ۵۳۵؛ زمخشری، ۵۱۱؛ ابن منظور، ۴۵۳/۱۳)، تکسّر و درهم شکستن (ثعالبی، ۲۷۰؛ بعلبکی، ۸۱) تحقیر نمودن، خوار و خفیف کردن و کوچک و سبک شمردن (دهخدا، ۷۱۶۰/۵؛ معین، ۱۱۷۱/۱) آمده است. اهانت نیز به معنای استخفاف و سبک کردن، استحقار و حقیر شمردن، ضعیف و ذلیل گردانیدن (راغب اصفهانی، ۵۴۷؛ زمخشری، ۴۸۹؛ ابن منظور، ۴۳۸/۱۳ و ۴۳۹؛ طریحی، ۳۳۱/۶) استهزاء و مسخره کردن (خوری، ۱۴۱۱/۲) خوارداشتن و کوچک نمودن، پست کردن و آزرده (دهخدا، ۳۶۵۳/۳؛ معین، ۴۰۸/۱؛ عمید، ۲۱۹) است. منظور از توهین به شخصیت مریم مقدس در این پژوهش، هر گفتار، نوشتار و رفتاری است که موجب تضعیف، سست کردن، درهم شکستن، سبک شمردن و کوچک ساختن جایگاه مریم مقدس، مقام و شخصیت حقیقی و حقوقی، امتیازها و صفات معنوی ایشان در سنت مسیحیت گردد. افزون بر اوصاف پذیرفته شده و مشترک بین سه مذهب کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان، امتیازهایی را که واتیکان و پاپ برای مریم اثبات نموده‌اند در شخصیت دینی مریم مقدس ملاحظه می‌گردد.

در آغاز پژوهش برای استنباط و تبیین حکم شرعی توهین به شخصیت مقدس حضرت مریم - سلام الله علیها - باید منابع معتبر فقهی مسیحیت را شناسایی کرد؛ زیرا روشن شدن این واقعیت که بنیان احکام فقهی هر کدام از مذاهب مسیحی بر چه منابعی استوار است و هر گروه چه منابعی را حجت، مقدس و محترم می‌شمارد، دین پژوهان را در استخراج حکم مسئله اهانت به مریم مقدس یاری می‌رساند.

مدارک و منابع معتبر

«کتاب مقدس» مهم‌ترین منبع دارای اعتبار در نزد مسیحیان است. احترام، اعتبار، مرجعیت، حجیت و ضرورت پیروی کامل از کتاب مقدس وجه اشتراک تمام مسیحیان جهان و رکن اصلی ایمان مسیحی است. همه مذاهب مسیحی در لزوم تکریم و تعظیم کتاب مقدس اتفاق نظر دارند. بنابراین، لزوم پیروی از کتاب مقدس اجماعی است. کاتولیک‌ها (رابرتسون، ۹ و ۱۱؛ وان و وورست، ۴۰، ۱۲۰، ۱۲۱؛ میشل، ۲۲، ۲۳ و ۴۳؛ اهیوم، ۳۸۲ و ۳۸۳؛ مولند، ۱۶۲؛ هاینس دشنر، ۷ و ۶)، ارتدوکس‌ها (لین، ۱۳۸-۱۴۰) و پروتستان‌ها (دانستن، ۲۴، ۵۰، ۵۶، ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۳۵؛ تیواری، ۱۷۴-۱۷۶؛ لین، ۲۷۰، ۳۲۷ و ۳۲۸؛ مک گراث، ۳۰۶-۳۰۸) همگی به صدق، صحت، قداست و اعتبار کتاب مقدس، اعتقاد دارند و بر الهی بودن و عاری از اشتباه بودن آن تصریح کرده‌اند (ناس، ۶۳۰ و ۶۳۱؛ هاکس، ۷۱۸ و ۷۱۹؛ جوویور، ۱۳، ۳۷، ۳۸ و ۳۹۰؛ اهیوم، ۳ و ۳۸۴؛ تیواری، ۱۵۳؛ میشل، ۲۶، ۴۹ و ۵۱؛ توفیقی، ۱۶۳؛ فاستر، ۳۳۶، ۳۳۸ و ۳۴۲). «سنت» منبع دوم برای عموم مسیحیان جهان است. علاوه بر کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها که همواره بر مرجعیت و اعتبار سنت تأکید دارند (جوویور، ۱۲۲-۱۲۴؛ مولند، ۴۹ و ۵۴ و ۵۵ و ۸۹؛ مک گراث، ۳۵۷ و ۳۵۸؛ ویر، ۵۲) پروتستان‌ها نیز به پذیرش نوعی سنت مجبور شده‌اند و از «متون مقدس» و «کلیسا» و «شهادت درونی روح القدس» و «نداهای پیامبرگونه» برای زندگی دینی و عمل صالح مطابق سنت مسیحی یاد می‌کنند (دانستن، ۸۴-۸۹ و ۳۲۹-۳۳۱؛ ویر، ۴۸). به اعتقاد

کاتولیک‌ها و شورای جهانی مسیحیان، سنت منبع جداگانه الهی افزون بر کتاب مقدس است که -به خواست خدا- به عنوان وحی الهی برای جبران کاستی‌های کتاب مقدس تعیین شده و حجیت و اعتبار آن، همسنگ با کتاب مقدس است (گراث، ۲۹۶، ۳۱۳، ۳۱۴ و ۳۵۷-۳۶۰؛ گریدی، ۲۰۴-۲۰۶؛ لین، ۴۹۱؛ ویر، ۴۸). سنت طرح زنده ای است که رشد و توسعه می پذیرد و برای کلیسا و مسیحیان قوانین شرعی جدید تولید می‌کند. گرچه سنت از عصر رسولان و پدران کلیسا آغاز شد، ولی همواره در حال شکوفایی و تکامل و پاسخگویی به نیازهاست. تحرک، پویایی، استمرار و تداوم سنت عامل گسترش و توسعه آموزه های مشروع و قانونی کلیسای جهانی است (مولند، ۸۶-۸۹ و ۹۰؛ لین، ۴۹۲؛ گریدی، ۲۰۶؛ مصطفوی کاشانی، ۱۶۳، ۷۸ و ۱۶۴؛ ویر، ۴۵، ۵۳ و ۵۴؛ عبدخدایی، ۵۱؛ محمدیان و دیگران، ۴۰۴ و ۴۰۸). برای اثبات حجیت و اعتبار سنت، استمرار و پایداری آن به «کتاب مقدس» (انجیل متی، ۱۸/۱۸ تا ۲۰؛ لاک، ۶۳؛ دانستن، ۳۱) و «وحی، هدایت و لطف الهی» (مولند، ۹۰؛ گریدی، ۲۰۸) و «تجلی حضور، تعلیم، الهام و ارشاد کلیسا توسط روح القدس» (لین، ۸۴، ۱۳۹، ۳۶۱ و ۳۶۲؛ میشل، ۵۱ و ۵۰؛ ابطحی، ۸۹، ۹۵ و ۹۶؛ جوویور، ۳۱، ۹۳ و ۴۸۶) استدلال شده است. کلیسای کاتولیک پاپ را دارای قدرت مطلق و نامحدود می‌شمارد که پیروی کامل از آرای وی وظیفه عموم مسیحیان است (کونگ، ۹۲، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۹۰، ۲۳۵ و ۲۳۶؛ ناس، ۶۵۲؛ پالارد، ۲۴؛ فلاورز، ۱۲۲؛ گیربرانت، ۴۵، ۶۰، ۶۴، ۷۱ و ۷۶؛ لون، ۷). وی خلیفه خدا و نائب عیسای مسیح بر روی کره زمین و فوق امپراتور است. حق الهی قانون گذاری و تشریح برای عموم مسیحیان از او است (فاستر، ۴۰۶ و ۴۰۸؛ دورانت، ۴/۶۷۸، ۶۸۰، ۷۰۸ و ۸۴۰؛ کونگ، ۱۴۸ و ۲۵۱؛ مولند، ۸۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۵۷۸) او مشروعیت، اعتبار و لزوم اجرای فتاوی پاپ بستگی به پذیرش مردم ندارد (غوری، ۱۳۲-۱۳۵). علامه یوحنا پطرس غوری مدارک و اسناد قدرت قانونگذاری و حق تشریح کلیسای کاتولیک به رهبری پاپ را، «کتاب مقدس» (انجیل یوحنا، ۱۵/۲۱-۱۸؛ انجیل متی، ۱۶/۱۳-۱۹؛ انجیل لوقا، ۱۰/۱۶؛ اعمال

رسولان، ۲۸/۱۵) و «دلیل عقلی» و «سنت کلیسایی» (غوری، ۱۱۵) می‌داند. پاپ در اظهار نظر خویش از اشتباه پاک است. وی هیچ‌گاه در فرمان‌های رسمی پاپی در جایگاه رهبری مسیحیان اشتباه نمی‌کند. مقام عصمت و خطاناپذیری پاپ یک امتیاز الهی است که در شورای جهانی مسیحیان، شورای اول و دوم واتیکان تأیید و تصویب گردید (لین، ۴۸۱ و ۴۹۳؛ کونگ، ۲۲۷؛ اینارمولند، ۹۱ و ۹۲؛ وورست، ۴۳۸). در متن تصویب شده پیرامون خطاناپذیری پاپ در شورای واتیکان اول برای اثبات این اصل ایمانی و عقیدتی بر «سنت مسیحی»، «ترفیغ و تکریم مذهب کاتولیکی»، «نجات مسیحیان»، «مکاشفه الهام الهی»، «تأیید شورای مقدس»، «مساعدت و کمک الهی»، «جانشینی پطرس»، «اقتدار عالی رسولی» و «انجام وظیفه تعلیم و آموزش مسیحیان» تکیه شده است (ورست، ۴۳۸-۴۴۰؛ لین، ۴۸۱؛ زیبایی نژاد، ۲۶۷). در سند مسیحی شورای واتیکان دوم نیز اصل «اقتدار آموزشی قدسی پاپ» در عرض «کتاب مقدس» و «سنت مقدس» به عنوان منبع سوم معتبر مسیحی شناخته شد که با هدایت روح القدس کلام خدا را دریافت می‌کند و به نام عیسی مسیح آموزش می‌دهد (مصطفوی کاشانی، ۱۳۹-۱۴۱، ۱۴۸ و ۱۴۷). بنابراین، فرمان‌های پاپ و آموزه‌های دینی وی، مصوبات شورای جهانی کلیسا و واتیکان و مسیحیان با حضور پاپ و تأیید و تصویب وی، منبع معتبر دیگری برای شناخت شخصیت‌های مقدس مسیحی و حکم اهانت به آنان می‌باشد.

حضرت مریم - علیها السلام - در جایگاه برتر

مریم چهره بسیار جذاب و پراز قداست و حرمت است. پس از عیسی مسیح هیچ شخصیتی به موقعیت و جایگاه مریم مقدس نمی‌رسد. او بر همه رسولان و شاگردان عیسی برتری داشت (ورست، ۵۲۳). احترام، عزت، عظمت و جلال حضرت مریم روز به روز در بین مسیحیان رشد و افزایش یافت و به صورت سرسپردگی عمومی درآمد، گریدی، ۱۶۵). چهره انسانی و دوست داشتنی ملکه ملکوت حضرت مریم به

عنوان یک زن، آن گونه که در هیئت «مریم عذرا با ردای بلند» نمایان است بی نهایت معروف و مشهور گشت، به ویژه به عنوان مددکار بینوایان، مردم ستمدیده و بی کس (کونگ، ۱۶۸). کم کم در دل عموم مردم حضرت مریم مقامی ارجمندتر و شامخ تر از خود مسیح احراز کرد، به گونه‌ای که مردم با دیده پرستش به او نگریستند و او را شفیع و واسطه خدا و انسان دانستند. برناردینوس در قرن پانزدهم میلادی در این خصوص مبنای تعلیمات خود را این طور قرار داده بود که مادر برتر از پسر است، پس مریم برتر از خداست (الدر، ۵۱). حضرت مریم به عنوان ملکه آسمان ارتباط با ارزشی بین عیسی و مسیحیت برقرار کرد؛ او چهره زنانه خدا را آشکار کرد و اهمیت دائمی معنوی مردمی او انکارناپذیر است. وی نخستین زن در تاریخ مسیحیت است که پیش از مسیح و نیز در زمان حیات زمینی و زمان بر صلیب رفتن و رستاخیز او زنده بود و برای همه مسیحیان، چه مرد و چه زن، الگو است. او به نظر بسیاری از مسیحیان، پس از خود مسیح دومین کسی است که آشکارکننده معنای درونی مسیحیت است (کاکس، ۷۱). شاهکار خطرناک و بسیار ارزشمند حضرت مریم در زندگی اش پذیرش بارداری و آبستنی از روح القدس و زایش معجزه آسای مسیح است که شان و مقام عالی بی نظیری بود (کاکس، ۶۷؛ وورست، ۵۹). بدین سان مریم با پذیرش خواسته خدا که می توانست آن را رد کند چون آزاد بود، در حقیقت حادثه‌ای را ممکن ساخت که بدون آن مسیحیت وجود نمی یافت: خدا «جسم گردید و در میان ما ساکن شد». این «آری» مریم، به هر معنایی که باشد بیان کننده این است که مریم با اطمینان کامل به محبت خدا و اشتیاقش برای پذیرش زحمات و ننگ اجتماعی، که ناچار به این خاطر که بدون ازدواج کودکی آورده بود به او نسبت داده می شد، نقش انکارناپذیری در ماجرای نجات ایفا کرد (کلارک، ۱۰؛ کاکس، ۶۷ و ۶۸).

سیمای حضرت مریم در کتاب مقدس

کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تشکیل شده است. این هر دو بخش برای تمام مسیحیان ارزشمند و محترم است و برای تبیین حکم شرعی به هر دو عهداستناد می کنند.

مریم مقدس در عهد قدیم

در عهد قدیم دو بار از مریم یاد شده است. در نخستین بار آن بشارت «حوای نوین» نهفته است. زمانی که حوا همسر حضرت آدم در دام فریب مار گرفتار گردید و در بهشت از شجره ممنوعه خورد، خدای متعال در هنگام لعنت کردن مار چنین گفت: «عداوت در میان تو و زن و در میان ذریّت تو و ذریّت وی می گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد» (سفر پیدایش، ۱۵/۳). «ذریّت زن» در تفسیر نویسندگان مسیحی همان منجی پیروز و زن نیز مادر باکره و همان «حوای دوم» است. قدیس ژوستین شهید (د. ۱۶۲ م.) نخستین گواه این ادعا است. او چنین می گوید: «او که از باکره مولود شد انسان گردید تا آن نافرمانی ای را که به واسطه مار به وجود آمده بود به همان شیوه ای که آغاز شده بود پایان دهد؛ زیرا حوا تا آن زمان باکره ای سالم بود از سخنان مار فریفته شد و نافرمانی و مرگ را به دنیا آورد. اما مریم باکره با ایمان و شادمانی پرشد، آن هنگام که جبرئیل فرشته این بشارت سرورآمیز را به وی داد که روح خدا بر او خواهد آمد، قدیس ایرنیوس (د. ۲۰۲ م.) که اولین متفکر الهی درباره مریم خوانده می شود این مقایسه را به این صورت بسط و توسعه می دهد: «حوا که زن آدم و با این حال هنوز باکره بود. . . نافرمانی کرد و بنابراین مرگ را بر خود و تمام نسل بشری آورد. مریم نیز که مانند حوا نامزد شده و در عین حال باکره بود، به وسیله اطاعت خویش باعث نجات خود و تمام نسل بشر گردید. . . اگر چه یکی نسبت به خدا نافرمانی کرد، دیگری اطاعت را به جا آورد و بنابراین مریم باکره شفیع و مدافع حوای باکره گردید و هم چنان که نسل بشر به وسیله یک باکره به مرگ محکوم شد به همین

شکل نیز به واسطه اطاعت باکره ای دیگر به تعادل می رسد». نویسندگان بعدی مسیحی کاربرد تفکر حوای نوین را گسترده تر کردند. قدیس آمپروز (د. ۴۲۰ م.) می گفت: «حوا مادر نسل بشر نامیده می شود. اما مریم مادر نجات». او این مقایسه را به شکل یک قاعده کلی بیان می کند: مرگ از طریق حوا حیات از طریق مریم. قدیس افریم (د. ۳۷۵ م.) گفت: «شکوه دوست داشتنی انسان که از طریق حوا از بین رفت از طریق مردم به انسان بازگشت. این مار بود که پاشنه حوا را زد، این پای مریم بود که مار را لگدکوب کرد» (بهرام محمدیان و دیگران، ۴۰۵). در حدود هفتصد سال پیش از آبستنی حضرت مریم نیز در عهد قدیم اشعیای نبی درباره باکره بودن و وعده ظهور مسیح نوشت: «خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره آستن شده پسری خواهد زایید (اشعیاء، ۱۴/۷).

مریم مقدس در عهد جدید

گرچه مریم در عهد جدید حضور کم رنگی دارد و تنها بخشی محدود از زندگانی وی در کتاب مقدس گزارش شده است، اما منشا و زیربنای شخصیت مقدس وی، همان مطالب موجود در کتاب مقدس است. مریم به عقد یوسف درآمده بود و قبل از آن که به خانه شوهر برود به وسیله روح القدس آستن شد (متی، ۱/۱۸). جبرئیل فرشته الهی بارداری مریم از روح القدس را به خود وی (لوقا، ۱/۳۵) و همسرش یوسف (متی، ۱/۲۰) یادآوری کرد. بنابراین باکره و دوشیزه (متی، ۱/۲۳ و ۲۵؛ لوقا، ۱/۳۴؛ دوران، ۳/۶۵۸؛ رابرتسون، ۲۵؛ وورست، ۵۹) بود که آستن شد و معجزه الهی روی داد و عیسی را به دنیا آورد. جبرئیل امین بر مریم وارد شد (کلارک، ۹؛ لوقا، ۱/۲۶ و ۲۷؛ هاکس، ۲۷۸) و گفت: سلام ای کسی که مورد لطف هستی، خداوند با تو است. مریم از آنچه فرشته گفت مضطرب شد و ندانست که معنی سلام چیست. فرشته به او گفت: ای مریم! نترس؛ زیرا خداوند به تو لطف فرموده است. تو آستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذارد... مریم به فرشته گفت: این چگونه

ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته‌ام. فرشته به او پاسخ داد: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند... مریم گفت: باشد، من کنیز خداوند هستم، همان‌طور که تو گفتی بشود. فرشته از پیش او رفت (لوقا، ۲۸/۱-۳۵). در این گفتگوی حضرت مریم با فرشته وحی الهی «برگزیدگی مریم»، «لطف الهی نسبت به وی»، «تصریح بر باکره بودن او»، «آبستنی با قدرت الهی و فرود روح القدس بر وی» و «روحیه تسلیم و فرمانبرداری مریم» نمایانگر شخصیت مقدس آن حضرت است. مریم با الیزابت مادر یحیی دیدار کرد، به خانه زکریا وارد شد بر الیزابت سلام کرد. با شنیدن سلام مریم بچه در رحم الیزابت تکان خورد و از روح القدس پر شد و با صدای بلند به مریم گفت: تو در بین زنان «متبارک» هستی و مبارک است ثمره رحم تو! من کی‌ام که مادر خداوندم به دیدنم بیاید؟ همین که سلام تو به گوش من رسید بچه از شادی در رحم من تکان خورد (لوقا، ۳۹/۱-۴۴). در گفتگوی این دو زن با ایمان و با تقوا، مادر پیامبر خدا یحیی مریم را وجودی «متبارک» و «مادر خداوند» نامیده و با دریافت سلام مریم از روح القدس پر شده است. در پایان این گفتگو، حضرت مریم سخنی گفت که مهم‌ترین سخن وی در کتاب مقدس است (کاکس، ۶۹ و ۷۰). او در این سخن خودش را کنیز حقیر و ناچیز خدا شمرده و خدا را به دلیل لطفش بر خود ستوده و تأثیر مهمی را که عیسی بر جهان خواهد گذاشت پیشگویی کرده است. مهم‌ترین سخنی که در کتاب مقدس از حضرت مریم مادر مسیح آمده همین سخنان آتشین است. او در این سخن تأثیر مهمی را که عیسی بر جهان خواهد گذاشت پیشگویی کرده و چند نمونه از اقدام‌های انقلابی آن حضرت را بر شمرده است. وی در این سخن که به سرود مریم شهرت یافت می‌گوید: جان من خداوند را می‌ستاید و روح من در نجات دهنده من، خدا، شادی می‌کند؛ چون او به کنیز ناچیز خود نظر لطف داشته است. از این پس همه نسل‌ها مرا خوشبخت خواهند خواند؛ زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی برای من کرده است. نام او مقدس است، رحمت او پشت در پشت برای کسانی است

که از او می ترسند، دست خداوند با قدرت کار کرده است، متکبران را با خیال‌های دلشان تار و مار کرده، و زورمندان را از تخت‌های شان به زیر افکنده، و فروتنان را سربلند کرده است. همو گرسنگان را با چیزهای نیکو سیر کرده و ثروتمندان را تهی دست روانه ساخته است. به محبت پایدار خود، از بنده خود اسرائیل حمایت کرده است، همان‌طور که به اجداد ما یعنی به ابراهیم و به اولاد او تا به ابد وعده داد (لوقا، ۱/۴۶-۵۵). این گزارش از کارها و اقدام‌های انقلابی عیسی از مادرش حضرت مریم گزارش واقعی از زندگانی یک انقلابی بزرگ است. فروپاشی حکومت دیکتاتورها و نابودی طاغوت‌ها و زورمندان، تارومار کردن متکبران و گردنکشان، گرفتن ثروت سرمایه داران و سیر کردن گرسنگان بخشی از اقدام‌های زیر بنایی و بنیادی عیسی در مسیر انقلاب اجتماعی و سیاسی دینی است. هاروی کاکس با اشاره به این سخن حضرت مریم می گوید: این سروده که «تسبیح مریم» خوانده می شود، ارزش‌های فرمانبرداری و تسلیم خدا بودن را به شدت ارج می نهد. در این جا مریم از پراکنده کردن متکبران، خوار کردن حاکمان امپراتوری، غذا دادن به گرسنگان و دست خالی روانه کردن ثروتمندان سخن می گوید. هیچ عجیب نیست که مریم گاهی الهام بخش جنبش‌هایی از نوع قیام اجتماعی بوده باشد. برای مثال گروه‌های انقلابی روستایی مکزیکی امیلیانو زاپاتا (Emiliano Zapata) در مکزیکوسیتی در حالی راهپیمایی می کنند که تصاویری از خانم گوادالوپ (Guadalupe) یکی از ظهورهای مریم را در نوارهای کلاه‌های خود قرار داده اند (کاکس، ۷۰ و ۷۱). مریم سه ماه نزد الیزابت ماند و سپس به منزل خود بازگشت (لوقا، ۱/۵۶). وی در عصر زمامداری هیروودیس در بیت لحم عیسی را به دنیا آورد (متی، ۱/۲؛ لوقا، ۱/۲-۷)، گفتگوی فرشته با چوپانان در اطراف جایگاه زایش عیسی را شنید و درباره آن عمیقاً اندیشید (لوقا، ۸/۲-۱۹). مجوسیانی که از مشرق برای دیدن و پرستش عیسی به اورشلیم آمده بودند در بیت لحم حضرت مریم و عیسی را دیدند، بی نهایت خوشحال شدند، به روی درافتادند و او را پرستش کردند و هدایای

خود را به او تقدیم داشتند (متی، ۱/۲-۱۲) مریم با همسر و فرزندش به مصر (متی، ۱۳/۲-۱۵) و از آنجا به ناصره رفت و در آنجا ساکن گردید (متی، ۲۳/۲). در دامن مریم، عیسی بزرگ و تربیت شد، به رسالت و پیامبری برانگیخته شد و مردم را دعوت کرد. زمانی هم که به صلیب کشیده شد فرزندش در پای دار حاضر بود و درد و رنج او را مشاهده کرد وقتی عیسی مادر خود را دید که کنار یوحنا، شاگردی که دوستش می داشت، ایستاده است به مادر گفت: مادر این پسر تو است و به شاگرد خود گفت: این مادر تو است و یوحنا او را به خانه خود برد (یوحنا، ۱۹/۲۵-۲۷). گرچه در کتاب مقدس دو برخورد سرد از عیسی نسبت به مادرش گزارش شده است (متی، ۱۲/۴۶-۵۰؛ مرقس، ۳/۳۱-۳۵؛ لوقا، ۸/۱۹-۲۱؛ یوحنا، ۱/۲-۵)، اما در آستانه رحلت زمانی که روی صلیب رنج می دید مادر خود را از یاد نبرد و شاگرد محبوب خود یوحنا را مأمور نگهداری او کرد (یوحنا، ۱۹/۲۵-۲۷؛ کلارک، ۲۷۶).

سیر صعودی احترام مریم مقدس در کلیسا

اعتبار، احترام و قداست حضرت مریم در نزد مسیحیان و در کلیسا به تدریج افزایش یافت. سران مسیحیان جهان در شوراهاى عمومی، «احکام» جدیدی درباره حضرت مریم صادر کردند و تصمیم‌های مهمی گرفتند. وی در الهیات مسیحی و زندگانی کلیسایی موقعیت خاصی پیدا کرد. کلیسا «چهارحقیقت» را درباره حضرت مریم به شیوه‌ای رسمی و جدی اعلام کرده است: «مادر خدا»، «بکارت مادام العمر»، «لقاح مطهر و آزادی از گناه نخستین» و «صعود به آسمان». این چهار امتیاز در اصول دین مسیحیت قرار گرفت و اعتقاد و ایمان به آنها بر همگان لازم شمرده شد. به سال ۴۳۱ م. سومین شورای جهانی کلیسا در افسس تشکیل شد. در متن بیانیه‌ای که این شورا صادر کرد پس از تأکید بر خدای کامل و انسان کامل بودن عیسی مسیح و همداتی خدای پسر و پدر آمده است: برطبق این ادراک از وحدت اختلاط ناپذیر دو طبیعت، ما اعتراف می کنیم که باکره مقدس مادر خدا است، زیرا کلمه خدا متجسم و انسان شد و

از زمان لقاح خود کلمهٔ بدنی را که از مریم مقدس گرفته بود با خود متحد کرد (لین، ۹۷). بنابراین، شورای افسس «مادر خدا» را به جای «مادر مسیح» به کار برد و قداست حضرت مریم را افزایش داد و از ایشان با لقب مادر خدا یاد کرد (دورانت، ۱۰۰۲/۴؛ کونگ، ۱۶۷؛ مولند، ۵۲). اعتقاد نامه‌ای که شورای کلسدون به سال ۴۵۱م. تصویب کرد دربارهٔ باکره بودن و مادر خدا بودن مسیح می گوید: عیسی مسیح پیش از خلقت جهان، از خدای پدر در مقام خدا به وجود آمده بود که در روزهای آخر از مریم «باکره»، «مادر خدا» همچون انسان به دنیا آمد (لین، ۱۰۵). در دومین شورای قسطنطنیه به سال ۵۵۳م. آموزه «بکارت همیشگی» حضرت مریم در آموزه‌های رسمی کلیسا قرار گرفت: بنابراین، او پیش از تولد عیسی و در حال تولد و پس از آن تا آخر عمر باکره بوده است (مولند، ۵۲، ۵۳ و ۹۷) کاتولیک‌ها برای تثبیت آموزه همیشه باکره بودن حضرت مریم آنچه را در کتاب مقدس دربارهٔ خواهران و برادران عیسی مسیح بود به خویشاوندان وی تأویل کردند (زیبایی نژاد، ۲۴۵؛ مولند، ۹۷). در نوزدهمین شورای عمومی و جهانی کلیسا، شورای ترنت در قرن ششم میلادی به طور کلی مریم مقدس عاری از گناه نخستین شناخته شد (لین، ۳۶۰، ۳۶۱ و ۴۷۶؛ زیبایی نژاد، ۲۸). در قرن هفتم عصمت و عاری از گناه بودن مریم باکره پذیرش عمومی یافت. جای این سؤال وجود داشت که چه زمانی وی از گناه وارسته شده است؟ داتراسکوتوس این نظر را مطرح کرد که لقاح حضرت مریم لقاح مطهر بوده است و از همان لحظه لقاح، وی از هر گناهی پاک بوده است. در سال ۱۸۵۴م. پاپ پیوس نهم در یک فرمان آموزه لقاح مطهر و آبستنی معصومانه را یکی از اصول ایمانی کلیسا قرارداد (لین، ۴۷۶؛ دورانت، ۱۰۰۴/۴). او حکم کرد که مادر عیسی از همه لوازم سقوط آدم و نتایج گناه آلود برای بقیهٔ انسانیت کاملاً پاک است. این حکم اوج احترام روزافزون به مریم از نیمه دوم قرون وسطا است (وورست، ۴۴۷؛ لین، ۴۷۶ و ۴۷۷). او با وضع یک قاعده، مسئلهٔ عصمت و طهارت مریم عذرا را طرح کرد و آن را یکی از اصول دین مسیحیت اعلام داشت (مولند، ۹۷). بر طبق

این اصل هر کاتولیک مؤمنی باید معتقد شود که مریم، مادر عیسی، برای آن که اهلیت و استحقاق مادری عیسی مسیح را داشته باشد از گناه اصلی و ذنب ازلی پاک بوده و بالفطره طاهرو معصوم متولد شده است (ناس، ۶۹۱). متن فرمان پاپی پیوس نهم چنین بود: از آنجا که ما باتواضع و روزه، هرگز از تقدیم دعا‌های خود و کلیسا به خدای پدر از طریق پسرش دست برد نداشته‌ایم، تا از روی لطف، ذهن ما را با قدرت روح القدس هدایت و تقویت کند، پس از کمک خواستن از همه سپاه آسمانی و توسل در حال زانو زدن به روح القدس فارقلیط، با الهام او و برای احترام به تثلیث مقدس و تقسیم ناپذیر و برای شکوه و زینت «باکره مقدس»، «مادر خدا»، و برای ستایش ایمان کاتولیکی و برای ترویج دین مسیحی، با اقتدار، اعلام و اظهار و تعریف می‌کنیم: مریم باکره متبارک از همان نخستین لحظه لقاح و بارداری‌اش، به فیض و رحمت ویژه و بی نظیر خدای قادر مطلق، نظر به فضیلت و شایستگی‌های عیسی مسیح منجی بشریت از هر اثر گناه اولیه حفظ شده و مطهرو میرا بوده است. این آموزه، اعتقادی است که خدا آن را وحی کرده و توسط خدا مکشوف شده است. بنابراین، همه مؤمنان باید از صمیم قلب و پیوسته به این آموزه ایمان داشته باشند (وورست، ۴۴۷ و ۴۴۸؛ لین، ۴۷۶ و ۴۷۷). این اصل لقاح مطهر و آبستنی معصومانه از اصول ایمانی اصلاح‌نشدنی و خطاناپذیر پاپی و دائمی کلیسا است (لین، ۴۷۵). در شورای واتیکانی اول ۱۸۷۰م. آموزه لقاح مطهر یکی از ارکان مسیحیت شناخته شد (بستانی، ۷۸۴/۵؛ لین، ۴۷۸). پاپ لئوس سیزدهم در ۱۸۹۱م. در بخشنامه پاپی اعلام داشت: همان گونه که خدا خود اراده کرده است، هیچ چیزی جز به وسیله مریم از سوی او به ما بخشیده نمی‌شود. بنابراین، همان‌طور که هیچ کس جز به وسیله پسر نمی‌تواند به پدر اعلی نزدیک شود، به همین صورت نیز هیچ کس جز توسط مادر مسیح، نمی‌تواند به پسر نزدیک شود (لین، ۴۸۴). باور «صعود و معراج حضرت مریم» نخستین بار در قرن چهارم میلادی در کتاب «مراجعت مریم مقدس» منسوب به پاپ هیلاریوس مطرح شده است: مریم که پس از به صلیب کشیدن عیسی

و رستاخیز و صعود وی زنده بوده است ۲۲ سال پس از مرگ عیسی مسیح توسط فرشتگان به آسمان برده شده است (آشتیانی، ۱۴۶). در قرن بیستم، پاپ پیوس دوازدهم در سال ۱۹۵۰م. در مرامنامه رسالتی خود، باور «صعود و معراج حضرت مریم پس از مرگ» را جزو اصول ایمانی مسیحیت و عقیده دینی ضروری تعریف کرد (مولند، ۱۸۰؛ لین، ۴۱۷، ۴۱۸، و ۴۸۳). کارل گوستاو یونگ (Carl Gustar Jung) زمانی نوشت: اعلام عقیده «صعود مریم» در سال ۱۹۵۰م. مهم ترین حادثه در جهان مسیحیت از زمان اصلاحات بود، چون جنس مونث را تا مکان امنی در الوهیت بالا برد (کاکس، ۷۱). در بیانیه و مرامنامه رسالتی پاپ پیوس دوازدهم آمده است: از آنجا که عیسی مسیح قادر بوده حضرت مریم را چنان مکرم بدارد که وی را از فساد قبر محفوظ نگاه دارد، ما باید ایمان داشته باشیم که وی چنین کرده است... مادر شوکتمند خدا... در نهایت به عنوان تاجی که مکمل امتیازهای او بود، برای این که از فساد قبر در امان ماند، همچون پسر خود که قبل از وی چنین شد، برای غلبه بر مرگ، باید با بدن و جان خود در جلال الهی ملکوتی برافراشته می شد تا در آنجا، بر دست راست خود، پادشاه نامیرای همه اعصار، همچون ملکه حکمروایی کند (لین، ۴۸۳). پاپ پیوس دوازدهم چند بار ویژگی های مربوط به مریم را در دینداری عمومی مورد التفات و تأیید قرار داد. وی در هشتم دسامبر سال ۱۹۴۲م. سراسر جهان را به قلب پاک مریم اهدا کرد تا به آرزوی مریم در مادونای فاطمه تحقق بخشیده باشد. ابتدا پرتغال به تنهایی در هفته های اول این اهدا را دریافت کرد. بعد در ۱۹۴۷م. این امر برای کانادا تکرار شد و نیز در ۱۹۴۹م. برای انگلستان، در ۱۹۵۰م. برای فرانسه و در ۱۹۴۵م. برای آلمان. پرستش قلب مقدس مریم به اضافه قلب مقدس عیسی جنبه قابل توجهی از دین داری مریمی است که به وسیله پاپ تثبیت شده است (مولند، ۱۸۱). در شورای واتیکانی دوم ۱۹۶۵م. آموزه مریم در فصل نهایی سند قرار گرفت و در آن تمام آموزه های سنتی در مورد مریم، از جمله آموزه های لقاح مطهر و صعود وی به آسمان مجدداً تصدیق شد، نقش مریم در امر

نجات به روشنی تعریف گردید و تصریح شد رضایت خاطر وی برای تجسم عیسی ضرورت داشت و فعالانه در امر نجات انسان ها با مسیح همکاری دارد و وی به جهان حیات می بخشد، مرگ توسط حوا و حیات توسط مریم نازل شده است و هنگامی که عیسی بر صلیب رنج می کشید وی نیز در رنج کشیدن با عیسی با وی متحد گشت. مریم شفیع است یعنی کسی که بین ما و خدا شفاعت می کند و این به هیچ وجه واسطه بودن مسیح را کم رنگ نمی سازد یا آن را خدشه دار نمی کند. بلکه قدرت آن را نشان می دهد (لین، ۴۹۰؛ محمدیان و دیگران، ۴۱۰). ویل دورانت درباره جایگاه مریم در مسیحیت و رشد پایگاه مردمی مریم در مسیحیت نوشته است: خود مردم در باغ معنوی قرون وسطی، زیباترین گل را به وجود آوردند و مریم را محبوب ترین شخصیت تاریخ کردند... مردم، به میل و نظر خویش، رعب‌هایی را که علمای الهی توصیف کرده بودند به کمک شفقت مادر مسیح کاهش دادند. از این‌رو، گناهکاران برای تقرّب به مسیح دست به دامان مریم می زدند که هیچ کس را نمی راند و فرزندش نمی‌توانست شفاعت او را بپذیرد. رهبانی کایساریوس نام، اهل هایستر باخ نقل می‌کند... یکی از برادران عامی فرقه سیستریان را شنید که در مناجات خویش به عیسی می گفت: خداوندا اگر تو مرا از بند این وسوسه نرہانی شکایت تو را به مادرت خواهم کرد. مؤمنان آن قدر مریم عذرا را شفیع می ساختند و به درگاهش دعا می‌کردند که عیسی در اذهان مردم به صورت مردی حسود در آمده بود... در واقع مادر، یعنی قدیمی ترین شخص در آیین پرستش به صورت سومین اقنوم از اقانیم ثلاثه جدید درآمد. همه کس در تمجید و عشق نسبت به وی شریک شدند... احساساتی ترین اشعار قرون وسطی سرود روحانی ای بود که با شعور و گرمی تمام جلالش را اعلام می داشت و کمکش را خواستار می شد. صورت‌هایی از وی همه جا، حتی در گوشه معابر، چهار راه‌ها و کشتزارها نصب شد. سرانجام، در قرون دوازدهم و سیزدهم، با عالی‌ترین تجلیات احساسات مذهبی در تاریخ، فقیر و غنی، خرد و کلان، روحانی و

عوام، و هنرمند و صنعتگر اندوخته‌ها و مهارت‌های خویش را برای تجلیل و تکریم مریم در هزاران کلیسای فخیم به کار بردند. این کلیساها تقریباً همه به نام وی بودند یا نمازخانه مخصوصی را به عنوان باشکوه‌ترین قسمت کلیسا به زیارتگاه وی اختصاص داده بودند. دین جدیدی پدید آمده بود و شاید مذهب کاتولیک با جذب این کیش نوین پایدار ماند. یک انجیل مریم به وجود آمد که مقامات شرع را در آن دستی، نبود عقل از تصور آن حیران می‌ماند و لطافت آن به وصف در نمی‌آمد. مردم افسانه‌ها را خلق می‌کردند و راهبان آن‌ها را به کتابت در می‌آوردند. ویل دورانت در ادامه گزارش مریم‌گرایی مسیحی مردمی تعدادی از داستان‌های راجع به قدرت و شفاعت مریم را آورده و نوشته است: کلیسا نمی‌توانست به این گونه داستان‌ها روی موافق نشان دهد. لکن حوادث مهم زندگانی مریم را به صورت جشن‌ها و اعیاد بزرگی در آورد. از آن جمله بود: عید بشارت، عید دیدار مریم، تطهیر عذرا و عید صعود مریم... . مریم پرستی مذهب کاتولیک را از صورت یک مذهب رعب آور که شاید برای قرون تیرگی ضروری بود به یک مذهب ترحم و محبت مبدل کرد... کلیسا در هنرهای زیبا و سرودهای روحانی و لیتورژی، از سر عقل، جایی برای مریم پرستی باز کرد (دورانت، ۱۰۰۲/۴-۱۰۰۵). حرمت و قداست فوق العاده و بی‌انتهای مریم در بین مسیحیان از گفتار و رفتار آنان روشن می‌شود: جشن‌ها و اعیادی که به نام وی یاد حضرت مریم در مسیحیت به وجود آمد نشانه تعظیم و تکریم فراوان و بی‌حد و حصر مسیحیان برای مریم است. علاوه بر جشن‌های عید بشارت، عید دیدار مریم، عید بارداری پاک (کاکس، ۲۸) و عید صعود جسمانی و روحانی مریم به آسمان (الدر، ۵۱)، پاپ پیوس دوازدهم جشنواره جدیدی را به افتخار مریم به عنوان «ملکه آسمان و زمین» پی ریزی کرد که باید درسی و یکم ماه مه هر سال برگزار شود. این مکملی است برای جشن مسیح پادشاه که از سابق برگزار می‌شده است (مولند، ۱۸۱). هاروی کاکس با اشاره به برخی اختلاف‌ها بین مذاهب مسیحی درباره حضرت مریم می‌نویسد: با وجود

این اختلاف‌های عقیدتی درباره مریم، باز هم او تقریباً در میان همه مسیحیان چهره ای بسیار محبوب و محترم است. او یک چهره محوری برای پرستش عمومی و موضوع مناسبی برای هنرمندان است (صدها تصویر مریم مربوط به رنسانس ایتالیا را در نظر آورید). او در چوب، سنگ، پلاستیک و سیمان، درحالی که نوزادی را در بغل گرفته و یا بدون وی، بر روی داشبورد اتومبیل‌ها و طاغچه‌ها و در باغ‌ها، حیاط‌های جلو و سرداب‌ها، در هر جای جهان به صورت آرامی ایستاده است. برخی از مردم معتقدند که او باز در مکان‌هایی مانند لورد، فاطیما و اخیراً مدیوگوری در یوگسلاوی، به منظور الهام، تشویق و آموزش کسانی که خواهند شنید، ظاهر می‌شود. پس از «دعای خداوند» که عیسی به شاگردانش تعلیم داد، دعای «سلام بر مریم» احتمالاً بیش از هر دعای دیگری در جهان مسیحیت خوانده می‌شود (کاکس، ۶۸ و ۶۹). کارل هاینس دشنر در زمینه حضور و نقش مریم مقدس در نبردهای مسیحیان می‌گوید: به نام عیسی مسیح و به نام مادر مقدس، در همه جبهه‌ها، اسقف‌های اسپانیا شادی می‌کردند... درست مانند جنگ حبشه، برای سربازان فرانکو نیز مادر مقدس نقش مهمی بازی می‌کرد، مدافعان شهر الکازار و حتی فرمانده آن‌ها، همگی خود را سربازان و فدائیان مریم مقدس می‌دانستند، یا آن‌گونه که اسقف دیازه‌ی. گومارس گفته است: جنگجویان ما نجات دهنده مریم باکره اند و فاتح دشمن نابکار. رزمندگان صلیبی شمایل مریم مقدس را در سوگواری‌ها حمل می‌کردند (هاینس دشنر، ۳۷ و ۳۸).

حکم اهانت به مریم مقدس

تصور جایگاه بی نظیری که مسیحیت برای تنها شخصیت مقدس مهم خویش قائل، از جنبش زنان، است راهنمای پژوهشگران دینی به سوی درک حکم انکار مقام‌ها، فضایل و درجات مریم مقدس و اهانت به این شخصیت مقدس بزرگ است. دختر باکره‌ای که روح القدس بر وی وارد شد و آبستنی و زایش معجزه آسای مسیح را

پذیرفت، با ولادت حضرت عیسی در به وجود آوردن دین مسیحیت نقش اساسی داشت، جبرئیل امین بر وی نازل شده است و در رنج های دوران بعثت عیسی و به صلیب کشیدن وی شریک بود و مسیحیان جهان او را «پاک از گناه» و «مادر خدا» و «ملکه آسمان و زمین» و «شریک عیسی در نجات بشر» می نامند هرگز اسائه ادب و بی حرمتی را نمی پذیرد و کوچکترین اهانت به وی گناهی بسیار بزرگ و جرمی سنگین و خطرناک است. امتیازهای فراوان و ارزشمند و صفات ویژه الهی بی نظیر، زیر بنای تعظیم، تکریم و تقدیس حضرت مریم شده و همگان را به تجلیل و بزرگداشت وی وا داشته است. این امتیازها چنان قداست و قدرتی به مریم داد که سرکشان و شکاکان و هجاگویان و کفرگویان را نیز از بی حرمتی به وی بازداشت و درعمل اهانت به وی غیرممکن گردید. ویل دورانت این سطح گریز از بی حرمتی و اهانت گریزی را گزارش کرده است: سرکشانی چون آبلار، سر در برابر مریم خم کردند. هجاگویانی چون روتبوف و شکاکان لاف و گزاف گویی مانند دانشوران خانه به دوش هرگز جرئت نکردند کلمه ای نسبت به او بی حرمتی کنند. شهبسواران قسم خوردند که خود را وقف خدمت وی کنند و شهرها کلیدهای خود را در پای تندیس وی می نهادند. طبقه بورژوازی در حال رشد مریم را مظهر تقدیس مادری و خانواده دید. مردان خشن اصناف، حتی دلاوران کفرگوی سربازخانه ها و میدانهای جنگ، در برداشتن دعا به درگاه مریم و نهادن تحفه ها به پای پیکره او با دختران دهاتی و مادران محرومیت چشمیده رقابت می کردند (دورانت، ۱۰۰۳/۴). کایساریوس راهب اهل هایستر باخ می گوید: شیطان جوانی را فریفت تا به امید ثروتی سرشار مسیح را انکار کند. لکن هر چه وسوسه کرد جوان حاضر به انکار مریم نشد. هنگامی که جوان توبه کرد، مریم عذرا فرزند خویش را ترغیب کرد تا جوان را ببخشد (دورانت، ۱۰۰۲/۴ و ۱۰۰۳). مسیحیان عدم پذیرش هریک از امتیازهای مریم مقدس را نکوهش کرده و مستوجب مجازات دانسته اند. نستوریوس اسقف قسطنطنیه در قرن پنجم بود. وی لقب «مادر خدا» برای

مریم را رد کرد. سیریل اسکندریه ای نامه ای شدیدالحن به نستوریوس نوشت و از وی خواست دوازده «ملعون باد» را امضا کند؛ یعنی دوازده گزاره ای را که سیریل آن‌ها را بیانگر افکار بدعت آمیز او می دانست محکوم کند. نستوریوس نپذیرفت. شورای افسس وی را از مقام اسقفی خلع کرد. نخستین «ملعون باد» در موضوع «مادر خدا» بودن مریم بود. در آن «ملعون باد» آمده بود: اگر کسی اعتراف نکند باکره مقدس، مادر خدا است و نیز اگر اعتراف نکند که او در جسم خود کلمه خدا را که جسم گردید به دنیا آورد ملعون باد (لین، ۹۲-۹۵). پاپ پیوس نهم در سال ۱۸۵۴م. در حکمی که آبستنی بدون آلودگی مریم و پاکی و عصمت وی از گناه نخستین را اعلام داشت در پی تاکید بر ضرورت ایمان قاطع و پیوسته همه مسیحیان به طهارت مریم نوشت: پس اگر کسی خدای نخواستہ جرأت کند و دردل خود به گونه ای دیگر غیر از آنچه ما بیان کرده ایم، بیندیشد باید بداند و کاملاً بفهمد که با داوری خویش محکوم خواهد شد. وی کشتی ایمانش را در هم شکسته و از وحدت کلیسا دور افتاده است. افزون بر این، طبق همین حکم، اگر با گفتاری نوشتاری هر وسیله دیگر، آنچه را در دلش می اندیشد بیان کند، خودش را در معرض کیفرهایی که در قانون مقرر شده است قرار خواهد داد (وان وورست، ۴۴۸؛ الدر، ۵۱). پاپ در این حکم حتی «اندیشه» ناهماهنگ با آبستنی معصومانہ مریم را محکوم کرده و در هم شکستن ایمان و دور افتادن از کلیسا دانسته و گفتار و نوشتاری غیر از این آموزه پاپی پیرامون مریم مقدس را مستحق کیفر قانونی شناخته است. اگر اندیشه یا گفتار و نوشتاری که با آموزه پاپی درباره پاکی و عصمت مریم مطابق نباشد بی حرمتی تلقی شود و مستوجب مجازات باشد قطعاً و به طریق اولی، اهانت به آن حضرت، عامل محکومیت و در هم شکسته شدن ایمان و دور افتادن از کلیسا و شایسته کیفر و مجازات است. پاپ پیوس دوازدهم در نوامبر ۱۹۵۰م. صعود و عروج مریم را در اصول عقاید کلیسا قرار داد. در این حکم وی کسانی که جرأت انکار یا شک در آن را به خود راه دادند محکوم شدند که «آن‌ها کاملاً از دیانت و ایمان

کاتولیک دور شده اند» (مولند، ص ۱۸۰). در صورتی که تنها نپذیرفتن یک ویژگی مریم مقدس مستلزم دوری کامل از دیانت و ایمان کاتولیکی باشد، قطعاً و حتماً اهانت به وی چنین وضعی بلکه سخت تر از آن را خواهد داشت.

حکم اهانت به مریم مقدس در دادگاه تفتیش عقاید

برخورد و مبارزه با بدعتگذاران، مرتدان، کافران و اهانت کنندگان در زمان حضرت عیسی مسیح و رسولان وی آغاز شد و همواره وجود داشته است و اکنون نیز ادامه دارد. در زمانی که کلیسا به رهبری پاپ بزرگ ترین قدرت اروپا و جهان مسیحیت بود (بکراش، ۱۵، ۱۶، ۲۳ و ۲۷؛ فلاورز، ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۲۰؛ بازرگان، ۳۰؛ لین، ۱۱۱، ۱۴۷ و ۲۴۱) دادگاه تفتیش عقاید کلیسایی با استناد به کتاب مقدس (انجیل متی، ۱۸/۹؛ انجیل مرقس، ۱۰/۴۳-۴۸؛ انجیل لوقا، ۱۴/۱۵-۲۳؛ انجیل یوحنا، ۶/۱۵؛ اول قرنیتیان، ۱/۶-۳؛ رومیان، ۱/۱۳-۴) و سنت مسیحی (لین، ۸۵؛ کونگ، ۹۷؛ لاک، ۹؛ بکراش، ۹، ۱۱، ۱۲، ۴۱، ۴۲، ۹۶ و ۱۲۶؛ دوران، ۴/۴۴ و ۱۰۴۵؛ هگل، ۷۹) در آغاز قرن سیزدهم به فرمان رسمی پاپ اینوکتیوس سوم (دوران، ۴/۱۰۴۰ و ۱۰۴۸؛ بکراش، ۲۳ و ۲۴) پدید آمد و با حمایت پاپ گری گوری نهم به یک تشکیلات کلیسایی بین المللی با قدرت و نفوذ فوق العاده تبدیل شد (بکراش، ۲۷). این تشکیلات بسیار مجهز و عظیم، با امکانات فراوان کلیسا، تا پایان قرن هجدهم، به صورت آشکار و سراسری با اعمال قدرت پاپ ادامه یافت (فرال، ۵۳۲ و ۵۲۳). ولی به تدریج با ضعف قدرت دینوی کلیسا و پاپ محدود شد (بکراش، ۷ و ۸ و ۱۲۷ و ۱۳۰ و ۱۳۱). دادگاه تفتیش عقاید در این شش قرن با هدایت و نظارت مستقیم پاپ ها استمرار یافت و در این مدت تمام ۷۶ پاپ کلیسای رومی و واتیکان (عبدخدایی، ۴۴۵ و ۴۴۵) اصل دادگاه را پذیرفته، رفتار دادگاه را تأیید و همواره از آن پشتیبانی کرده اند. بنابراین، کارنامه و رفتار این دادگاه شرعی دینی، منبع مهمی برای کشف نظریه مسیحیت درباره دفاع از مقدسات و شناسایی حکم شرعی و مجازات اهانت کنندگان به شخصیت مقدس

حضرت مریم است. در فهرست جرم‌ها و اتهام‌های زندانیان و کسانی که در دادگاه مقدس تفتیش عقاید مجازات شدند، اهانت به مریم مقدس جرم بسیار بزرگ و خطرناک بود (مارتینی، ۴۵؛ وایت، ۱۹؛ بکراش، ۱۷؛ لین، ۹۲-۹۵؛ وان وورست، ۴۴۸؛ الدر، ۵۱؛ مولند، ۱۸۰) و کیفر و مجازات سنگین زندان، شکنجه، زنده سوزاندن، خفه کردن و سوزاندن و به صلیب کشیدن را در پی داشت (وایت، ۴۳؛ دورانت، ۱۰۴۶/۴، ۱۰۵۲، ۱۰۵۴ و ۲۷۴/۷، ۷۳۰، ۷۲۳، ۷۳۲، ۷۳۱ و ۷۳۱؛ بکراش، ۵۷، ۹۳ و ۱۰۷-۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۹ و ۱۲۱؛ مارتینلی، ۲۰۹؛ ناس، ۶۶۵؛ لون، ۲۷؛ مک گراث، ۲۱۴؛ آرمسترانگ، ۱۷ و ۱۸).

مجازات اهانت به اقاییم سه گانه

با توجه به روش استنباط احکام شرعی در اسلام، به نظر نویسنده این مقاله می‌رسد که اهانت به مریم مقدس اهانت به اقاییم ثلاثه است. از سویی او «کنیز خدا» بود و «مأموریت الهی» داشت، از جانب خدا برگزیده شد و با جان و دل این مأموریت الهی را پذیرفت و مورد لطف خدا قرار گرفت و از سوی دیگر قدرت خدای پدر از راه روح القدس بر وی سایه افکند و آبستنی معصومانه وی با نزول روح القدس بر وی تحقق یافت و از جانب دیگر و مادر خدا، مادر عیسی مسیح است. از این رو اهانت به مریم مقدس از روی اراده و اختیار و با اطلاع و آگاهی از لوازم آن، در واقع اهانت به اب و ابن و روح القدس است و مجازات‌های اهانت به آنان را خواهد داشت. اهانت به مریم مقدس، حکم گناهکاران (انجیل متی، ۱۹/۵ و ۱۰/۱۵-۲۰ و ۳۱/۲۵-۴۶؛ انجیل مرقس، ۱۴/۷-۲۳؛ انجیل یوحنا، ۲۱/۸-۲۴؛ اول یوحنا، ۴/۳-۶، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۲۲-۲۴ و ۱/۵-۵، ۱۶، ۱۷ و ۲۱/۸، ۲۳ و ۲۴؛ اول پطرس، ۱۷/۴ و ۱۸؛ دوم پطرس، ۴/۲ و ۵؛ اول قرنتیان، ۱۶/۳، ۱۷ و ۳۳/۱۵ و ۳۴؛ دوم قرنتیان، ۱۰/۱ و ۱۳/۷) و بدعت (دوم پطرس، ۱/۲-۱۳؛ اول قرنتیان، ۱۱/۱۸ و ۱۹؛ غلاتیان، ۲۰/۵ و ۲۱؛ تیطس، ۳/۱۰ و ۱۱) و ارتداد (انجیل متی، ۱۳/۴۱ و ۴۲، ۶/۱۸ و ۸ و ۹؛ انجیل مرقس، ۹/۴۲-۴۸؛ انجیل لوقا، ۱۷/۱ و ۲؛ دوم پطرس، ۱۷/۲-۲۲؛

اول تیموتاوس، ۱/۴ و ۲؛ عبرانیان، ۸-۴/۶) و کفرگویی (سفرلاویان، ۱۱/۲۴ و ۱۳-۱۶ و ۲۳؛ انجیل یوحنا، ۲۴/۳-۲۶؛ اول تیموتاوس، ۱۹/۱ و ۲۰ و ۷/۴ و ۸؛ دوم تیموتاوس، ۱۶/۴-۱۸؛ رومیان، ۲۵/۱) و نفی و انکار کتاب مقدس (انجیل لوقا، ۲۶/۹؛ انجیل یوحنا، ۴۸/۱۲؛ اول پطرس، ۱۷/۴؛ دوم قرنتیان، ۴-۴/۴؛ دوم تسالوکیان، ۱-۷/۹) را دارا است. همچنین اهانت به مریم مقدس در حکم اهانت به روح القدس است و بدگویی و اهانت به روح القدس بر طبق سخن حضرت عیسی در انجیل از گناهانی است که هرگز بخشیده نخواهد شد (انجیل متی، ۳۲/۱۲؛ انجیل لوقا، ۱۰/۱۲) و مطابق گزارش پطرس رسول، دروغگویی به روح القدس برای آزمایش وی منتهی به مرگ می گردد (اعمال رسولان، ۱۱ تا ۵).

اهانت به مریم مقدس، اهانت به فرزند وی مسیح است. بنابراین، شامل آنچه درباره حکم ردّ و انکار فضایل و امتیازات حضرت مسیح در کتاب مقدس (انجیل متی، ۱۰/۱۴، ۱۵، ۳۳ و ۲۰/۱۱-۲۴ و ۳۰/۱۲؛ انجیل لوقا، ۵/۹ و ۱۱/۲۳؛ انجیل مرقس ۱/۶؛ انجیل یوحنا، ۴۳/۵-۴۶؛ اعمال رسولان، ۲۳/۳) و سنت مسیحیت و فتوای پاپ (بایرناس، ۶۳۴ و ۶۴۶؛ لینیف ۵۱-۸۱، ۸۵، ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۶۸؛ بازگان، ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۶؛ گریدی، ۱۷۷-۱۸۲؛ دورانت، ۴-۱۰۳۹-۱۰۵۰؛ بکراش، ص ۱۹ تا ۲۱) وجود دارد می شود به علاوه تمام آنچه را که کتاب مقدس (انجیل یوحنا، ۵/۲۲، ۲۳ و ۸/۲۹ و ۱۵/۲۳-۲۵؛ انجیل متی، ۱۱/۵، ۱۲ و ۱۳/۵۷؛ انجیل مرقس، ۴/۶؛ انجیل لوقا، ۴/۲۴؛ اول قرنتیان، ۱۱/۲۷-۳۱ و ۱۵/۲۵؛ اول یوحنا، ۲/۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۳/۴؛ فیلیپیان، ۱۵/۲۵؛ اول تیموتاوس، ۱-۱۲/۱۷) و سنت مسیحیت و آرای پاپ برای اهانت مستقیم به شخصیت حضرت مسیح ذکر کرده اند بر اهانت کننده به مادر وی جاری است.

منابع

انجیل شریف، ترجمه جدید فارسی، (عهد جدید خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح که از زبان یونانی ترجمه شده است)، ۱۹۸۱م، تهران انتشارات انجمن کتاب مقدس،

تهران، ۱۹۸۱م.

کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید که از زبان های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده است)، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چاپ دوم در ایران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۷۸م.

آرمسترانگ، کارل؛ *زندگینامه پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وآله و سلم*، ترجمه کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۳-۱۴۲۵ق.

آشتیانی، جلال الدین؛ *تحقیقی در دین مسیح*، نشر نگارش، تهران، ۱۳۶۸. ابطحی، محمد علی؛ *دیالوگ با دانشمندان مسیحی (دین در جهان معاصر)* طرح نو، تهران، ۱۳۷۹.

الدر، جان؛ *تاریخ اصلاحات کلیسا*، نورجهان، تهران، ۱۹۴۷م.

انوری، حسن؛ *فرهنگ بزرگ سخن، سخن*، تهران، ۱۳۸۱.

بازرگان، مهدی؛ *گمراهان (حدیثی مفصل از قرون وسطای مسیحیت در ارتباط با سوره حمد)*، تهران مهر، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.

بستانی، بطرس؛ *دایرة المعارف بستانی*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۰۰م.

بکراش، بورا؛ *تفتیش عقاید*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.

پالارد، جان؛ *واتیکان و فاشیسم ایتالیا ۱۹۲۹-۳۲*، ترجمه مهدی سحابی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۶.

توفیقی، حسین؛ *آشنایی با ادیان بزرگ*، سمت، ۱۳۸۵.

تیواری، کدارات؛ *دین شناسی تطبیقی*، ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، سمت، تهران، ۱۳۸۱.

جوویور، مری؛ *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، مرکز مطالعات تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.

خوری شرتونی لبنانی، سعید؛ *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، منشورات

- مکتبه آیت الله العظمی المرعشی، قم، ۱۴۰۳ق.
- دانستن، جی، لسلی؛ *آیین پروتستان*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۱.
- دورانت، ویل و آریل؛ *تاریخ تمدن*؛ ترجمه ابوالقاسم طاهری و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
- دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر سجادی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رابرتسون، آرچیبالد؛ *عیسی ارسطوره یا تاریخ*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*، دفتر نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ *اساس البلاغه*، به تحقیق عبدالرحیم محمود، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
- زیبایی نژاد، محمد رضا؛ *مسیحیت شناسی مقایسه ای*، سروش، تهران، ۱۳۸۴.
- شجاعی زند، علیرضا؛ *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام*، انتشارات باز و مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۶۲.
- عبدالله، ناصر علی؛ *المعجم البسیط*، انتشارات دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.
- عبدخدایی، مجتبی؛ *واتیکان (کلیساهای جهانی کاتولیک)*، انتشارات بین المللی، تهران، ۱۳۸۲.
- عمید، حسن؛ *فرهنگ فارسی*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- غوری، یوحنا بطرس؛ *مختصراللاهوت الادبی*، ترجمه از لاتین به عربی توسط یوحنا

- حبیب الخوری، مطبعة العمومیه الکاتولیکیه، ۱۸۷۹م.
- فاستر، مایکل ب؛ *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه جواد شیخ الاسلامی امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- فرآل، م. و؛ *دادگاه تفتیش عقاید* (انگریسیون)، ترجمه لطفعلی بریمانی، انتشارات توس، تهران، بی تا.
- فلاورز، سارا؛ *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، چاپ دوم، ققنوس، تهران، ۱۳۸۲.
- کاکس، هاروی؛ *مسیحیت*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۸.
- کلارک، دنیس؛ *زندگانی و تعالیم عیسی مسیح*، ترجمه ط میکائیان، دوستداران، انتشارات مسیحی، تهران، ۱۹۸۰م.
- کونگ، هانس؛ *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.
- گریدی، جوان؛ *مسیحیت و بدعتها*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، موسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۷.
- گیربرانت، آلن؛ *کلیسای انقلابی*، ترجمه پرویز هوشمند راد، شباویز، تهران، ۱۳۶۷.
- لون، وان؛ *انگریسیون (تفتیش عقاید)*، ترجمه غلامرضا سعیدی، هندریک ویلم، بی-جا، بی تا.
- لاک، جان؛ *نامه ای در باب تساهل*، ترجمه شیرزاد گلشاهی، نشرنی، تهران، ۱۳۷۷.
- لین، تونی؛ *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، نشر و پژوهش فروزان، تهران، ۱۳۸۰.
- مارتینلی، فرانکو؛ *تاریخ تفتیش عقاید* (تاریخ، سفاکی ها، شکنجه ها و سادیسم ها) ترجمه ابراهیم صدقیانی، جهان رایانه امین، تهران، ۱۳۷۸.
- محمدیان، بهرام و دیگران؛ *دایره المعارف کتاب مقدس*، روزنو، تهران، ۱۳۸۰.

مصطفوی کاشانی، لیلی؛ *شورای واتیکان دو میعادگاه کلیسای کاتولیک با تجددگرایی*، مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی و انتشارات بین المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۸.

معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ *دائرة المعارف فقه مقارن*، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۵.

مک گراث، آلیستر؛ *مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی*، ترجمه بهروز حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۲.

مک گراث، ایستر؛ *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.

مولند، اینار؛ *جهان مسیحیت*، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.

میشل، توماس؛ *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷.

ناس، جان بایر؛ *تاریخ جامع ادیان*، (با ویرایش جدید)، ترجمه علی اصغر حکمت، ویرایش پرویز تابکی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.

وان وورست، رابرت ای؛ *مسیحیت از لابه لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۴.

وایت، مایکل؛ *پاپ و مرد مرتد* (زندگی حقیقی جوردانو برونو)، ترجمه فروغ پوریآوری، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۸۴.

ویر، کالیستوس؛ *سنت از دیدگاه مسیحیت (مقدمه ای بر شناخت مسیحیت)*، ترجمه همایون همتی، نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.

هاکس، جیمز؛ *قاموس کتاب مقدس*، مطبوعه آمریکایی، بیروت، ۱۹۲۸ م.

هاینس دشنر، کارل؛ *فاشیسم و کلیسا*، ترجمه مهدی ثامنیه، انتشارات محقق، مستند ۱۳۸۰.

هگل، گئورک ویلیهام فردریش؛ *استقرار شریعت در مذهب مسیح*، ترجمه باقرپرهام، نشرآگه، تهران، ۱۳۶۹.

هیوم، رابرت ارنست؛ *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی